الف) «أَيْنَ اَس ِلِلْمِيثَاقِ»

خب حالا به روایت تفسیر شریف عیاشی بیاییم. امام علیه‌السلام در مورد واژ «ضالین» ی
کلمه فرمودند که کلید می‌شود. حضرت علیه السلام می‌فرمایند:

> «عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ(عَلَيْهِ السَّلَامُ)، فِي قَوْلِ إِبْرَاهِيمَ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ): لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ :«أَيْنَ اَس ِلِلْمِيثَاقِ»».[1]

یعنی میثاق الهی را فراموش می‌کنم. به به! چه تفسیری! چه توضیحی! چه راه‌گشا است! اگر خداوند من را هدایت نکند، از کسانی می‌شوم که میثاق را فراموش کرده‌اند. پس می‌گویند ما می‌خواهیم یک راه را برویم، ساکن ننشسته‌ایم، می‌خواهیم برویم و به یک چیزی برسیم، آن چیز چیست؟ به چه چیزی واصل بشویم؟ که بعد از راه گمراه بشویم و به آن نرسیم. می‌خواهیم به میثاق، فطرت اولیه، «الست بربّکم»، عالم ذر، عالم اظله برویم. این‌ها اصل کار است. در همین چند جلسه قبل، راجع به‌معنای سلام و عهد و میثاقی که خداوند متعال گرفته، صحبت کردیم. خیلی عالی است. «اس للمیثاق».

پس حضرت ابراهیم علیه السلام می‌خواهند بگویند همه ما و شما و قوم، در راه هستیم. یعنی به‌دنبال چیزی می‌گردیم تا به آن برسیم. مقصد درست ما که خودمان هم نمی‌دانیم و می‌خواهیم به هدف آنجا برسیم، آن فطرت الهی است، میثاقی است که خداوند از ما گرفته است. آن توحید است؛ «فطرهم علی التوحید»[2]. اگر سرا غ زهره بروید، اگر سرا غ قمر بروید، گمراه می‌شوید. قرار نیست آن فطرت توحیدی شما قمر باشد، قرار نیست شمس باشد. این اولین لحظه‌ای است که دو بار تحیر پیش آمده است، جز ضالین می‌شوم؛ راه را گم کرده‌ام، حالا باید چه کار کنم؟

اگر این کلید را بگیریم و آیه ناظر به این باشد، حالا برگردیم و مراحل آیه را در نظر بگیریم. آیه می‌فرماید: «وَكَذَٰلِكَ نُرِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ»، بعد می‌گوید: «هَٰذَا رَبِّيۖ». این ‹ جنّ‌علیه اللیل» یعنی چه؟ این‌چنین ارائه ملکوت کردند؛ ستاره را دیدند، ماه را دیدند، خورشید را دیدند، همه این‌ها افول کردند، حضرت به خالق آفل‌ها چه کار کردند؟ فرمودند: «إِنِّي وَجَّهۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّ فَطَرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ»؛ روح مبارک ایشان و نفس قدسی ایشان، متوجه «وَجَّهۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّذِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ» [است].

آیا این گفتن «هذا ربّی» شرک بود یا نبود؟ در یک روایت داریم؛

---

[1]. علامه بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۴۰.

[2]. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۳.

بازبینی #2
ایجاد شده 11 دسامبر 2024 16:05:56 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 دسامبر 2024 17:19:22 توسط ... .